

سید حسین موسویان در گفت‌وگو با «تابناک» مطرح کرد: (بخش اول)  
**امتیازاتی که شاید در توافق نهایی ایران و غرب، رد و بدل شود**

«دیپلمات سابق» که این روزها اصرار دارد از پست و موقعیت دولتی و رسمی دور باشد، در گفت‌وگو با «تابناک» از زندگی و برنامه‌های این روزهای خود در آمریکا گفت، ولی مهم‌ترین موضوع سخنان وی، ارزیابی چهارچوب احتمالی توافق نهایی ایران و غرب بر سر موضوع هسته‌ای بود.

03 February 2014-

تاریخ: ۱۴ بهمن ۱۳۹۲ - ۱۱:۰۸

کد خبر: ۳۷۵۷۷۱

گفت‌وگو با سیدحسین موسویان در آخرین روزهای حضور وی در ایران، پیش از سفر دیگر وی به ایالات متحده در دفتر تابناک برگزار شد.



موسویان که این روزها بیشتر به «دیپلمات سابق» شناخته می‌شود، بارها از بی‌علاقگی خود به شغل و پست دولتی سخن می‌گوید و دعوت از وی نیز تا اندازه بسیاری به همین سبب انجام گرفت. هدف گفت‌وگو، بررسی ابعاد گوناگون مذاکرات هسته‌ای با نگاه به مسیر رسیدن به توافق نهایی بر سر موضوع هسته‌ای ایران از زبان کارشناسی بود که ضمن آگاهی از ابعاد گوناگون موضوع هسته‌ای ایران، فارغ از قید و بندهای سیاسی و دیپلماتیک، بتواند در این باره نظر کارشناسی بدهد و پیش‌بینی‌هایش فشاری نیز بر مذاکره‌کنندگان ایرانی نیاورد.

موسویان همچنین از سفر خود به ایالات متحده برای پیگیری پایان کتاب جدید خود با موضوع روابط ایران و آمریکا خبر داد. هم‌اکنون این گفت‌وگو را در شرایطی می‌خوانید که از سفر موسویان به آمریکا چند روزی گذشته است.

\* هدف نهایی ما در این گفت‌وگو، نگاه به آینده و قصد ما ارزیابی چهارچوب احتمالی توافق نهایی هسته‌ای ایران و غرب است؛ این هدف و ارزیابی را چگونه می‌بینید؟

– برداشت من این است که در توافق نهایی در موضوع هسته‌ای، غربی‌ها چند امتیاز بزرگ به ما خواهند داد و ما نیز بناچار چند امتیاز بزرگ به آنها خواهیم داد. از جمله امتیازات آنها به ایران این است:

۱ - امتیاز بزرگ اینکه توافق نهایی شامل رفع تدریجی کلیه تحریم‌های یک‌جانبه، چندجانبه و بین‌المللی مرتبط با هسته‌ای خواهد بود. موضوع رفع تحریم‌ها واقعا امتیاز بزرگی است. امریکایی‌ها ۳۴ سال تلاش کردند ایران را به شورای امنیت بکشانند و یک اجماع جهانی علیه ایران ایجاد کنند و در این هشت سال به این هدف دست یافته بودند. برای آنها این حیاتی‌ترین امتیازی است که به ایران می‌دهند.

توقف روند تحریم‌ها دستاورد بسیار بزرگی است. البته هنوز تحریم‌های اساسی باقی مانده، چون هنوز توافق اساسی نشده است. لغو تحریم‌های اساسی در مقابل توافق اساسی است. حالا برخی می‌گویند که شما

توافق کرده‌اید، ولی تحریم‌ها سر جایش است. توقف تحریم‌های جدید و برداشتن برخی از تحریم‌ها در مقابل توافق‌نامه موقت است. شکستن ساختار تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل و اروپا وقتی است که توافق‌نامه اساسی و نهایی صورت بگیرد. الان یک صیغه موقت بین دوطرف جاری شده و ما نباید توقع داشته باشیم در ازای این کار همه تحریم‌ها برداشته شود.

**۲ - در توافق نهایی، غنی‌سازی ایران را در عمل خواهند پذیرفت.**

**۳ - امتیاز بزرگ دیگری که آن‌ها خواهند داد، اینکه ایران از دستور کار شورای امنیت سازمان ملل خارج خواهد شد.** ایران در فصل هفتم منشور سازمان ملل قرار گرفته و هر کشوری که در قالب این فصل قرار گیرد، تهدید صلح و امنیت بین‌الملل تلقی می‌شود. به نظر من، ارجاع پرونده هسته‌ای ایران، ضربه بزرگی به جمهوری اسلامی بود. انصاف نبود که ایران، انقلاب ایران و جمهوری اسلامی به عنوان تهدید صلح و امنیت بین‌الملل به جهان معرفی و علیه ایران اجماع جهانی درست شود. خیلی ظلم بزرگی در حق ملت و کشور ایران بود. من در سخنرانی‌ها، کنفرانس‌ها و در کتاب هسته‌ای مشروح و مستند توضیح دادم که چرا ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت غیر حقوقی بود.

**۴ - توافق‌نامه نهایی هسته‌ای منجر به عادی سازی روابط ایران با غرب خواهد شد.** البته اینجا منظورم امریکا نیست. اکنون تقریباً ۹۰ درصد تعامل ایران با جهان غرب خراب شده و ۱۰ درصد روابط مانده است. مثلاً آقای آه‌نی سفیر ما در فرانسه، یک سال و نیم در پاریس بود و متأسفانه به وی وقت ملاقات با وزیر خارجه نمی‌دادند. هیچ‌گاه چنین اتفاقی در تاریخ جمهوری اسلامی نیفتاده بود که سفیر جدید برود و یک سال و نیم پشت در بماند و ملاقات به او ندهند. آقای آه‌نی به محض اینکه انتخابات تمام شد، توانست با وزیر خارجه فرانسه ملاقات کند. این موضوع نشان می‌دهد که دریچه‌ای به سمت بهبود روابط ایران با غرب باز شده است. بهبود روابط ایران با غرب اتوماتیک به روابط با بقیه کشورها و به ویژه منطقه اثر خواهد گذاشت. اگر غربی‌ها در بهبود روابط یک قدم بردارند، چینی‌ها و هندی‌ها و روس‌ها ده قدم برخواهند داشت.

هم‌اکنون شما می‌بینید که سرعت برداشتن تحریم‌ها توسط چینی‌ها ده برابر اروپایی‌هاست. آن‌ها تشنه و منتظر اینند که تحریم‌ها برداشته شود و بتوانند از بازاری که در ایران است، منافع اقتصادی را حفظ کرده و گسترش دهند.

## **اما امتیازاتی که ایران به غرب خواهد داد:**

**۱ - ما در زمینه بازرسی‌ها و دسترسی‌های آژانس، ناچار خواهیم بود که بپذیریم آژانس دسترسی‌هایی که می‌خواهد، داشته باشد.** این بازرسی‌ها می‌تواند در قالب پروتکل باشد یا نباشد. آژانس برای اینکه بتواند اعلام کند، پرونده ایران بسته شده و صد درصد صلح آمیز است به سلسله دسترسی‌هایی‌ها نیاز دارد. ما نباید از مردم بترسیم، بلکه باید واقعیت را به آنان بگوییم. برخی از این دسترس‌ها، فارغ از پروتکل است؛ یعنی تقاضای آژانس این است. دروغ هم به مردم نگوییم؛ دسترسی در قالب پروتکل و فراتر از آن هم در دوره آقای خاتمی و هم در دوره آقای احمدی‌نژاد داده شده است. هر کس متخصص باشد و گزارش‌های آژانس را بررسی کند، خواهد دید در هر دو دوره - چه در دوره‌ای که قانوناً پروتکل الحاقی رسماً اجرا می‌شده و یا چه در دوره آقای

احمدی‌نژاد که اجرا نمی‌شد - ما دسترسی به آژانس در قالب پروتکل و فراتر از پروتکل دادیم. بنابراین دولت روحانی نیز در معامله نهایی مستثنی نخواهد بود. در دوران جدید نیز دسترسی در قالب پروتکل داده خواهد شد؛ اگر غیر از این عمل شود، آژانس و شورای امنیت پرونده ایران را از دستور کار خارج نخواهد کرد. البته این چیز تازه‌ای نخواهد بود که بگوییم کشور را فروختند و اطلاعات را لو دادند.

در دوره آقای احمدی‌نژاد دسترسی به آر ان دی اراک و آرنی سانتریفیوژها داده شد. این در حالی است که هیچ عضوی از ان پی تی در تاریخ ان پی تی به آژانس دسترسی به آر ان دی سانتریفیوژ کشورش را نداده است. از نظر من؛ این کارها اشکالی ندارد. برای اینکه کشورهای باید بترسند که دنبال بمب هستند. با فتوای مقام معظم رهبری قبل از اینکه غربی‌ها برای ایران خط قرمز تعیین کنند، رهبری انقلاب خط قرمز تعیین کرده است. فتوای ایشان در مورد سلاح‌های کشتار جمعی، خط قرمزی برای دنیاست که ایران را هم شامل می‌شود.

**۲ - امتیاز دوم محدودیت‌هایی است که ما باید بناچار برای اعتمادسازی بپذیریم.** ما باید سلسله محدودیت‌های را درباره اینکه برنامه هسته‌ای ایران در آینده به سمت ساخت سلاح نرود، بپذیریم. نمونه آن غنی‌سازی زیر ۵ درصد است. می‌خواهم در اینجا درباره جنجالی که در رسانه راجع به اینکه ایران غنی‌سازی ۲۰ درصد را تعلیق کرده، توضیح دهم. در دوره آقای خاتمی ما داوطلبانه خودمان اعلام کردیم حاضریم غنی‌سازی را زیر ۵ درصد انجام دهیم.

در دوره آقای احمدی‌نژاد، آقای صالحی وزیر خارجه بارها اعلام کردند ما حاضریم ۲۰ درصد را متوقف کنیم و غنی‌سازی را زیر ۵ درصد را انجام بدهیم؛ بنابراین این چیزی بوده که در دولت گذشته رسماً اعلام شده است. حالا فقط در دولت آقای روحانی در قالب توافق عملیاتی شده است. این اتفاق چیز استثنایی هم نیست و تقریباً بیشتر آنهایی که غنی‌سازی می‌کنند زیر ۵ درصد تولید می‌کنند. هر کس مذاکره کننده باشد، مجبور خواهد بود این محدودیت‌ها را بپذیرد.

**\* آقای دکتر موسویان برخی از مخالفان توافق ژنو بر این باورند که در توافق ژنو حق غنی‌سازی ایران به رسمیت شناخته نشده است. نظر جنابعالی در این مورد چیست؟**

**-** بحثی در داخل در مورد پذیرش حق غنی‌سازی وجود دارد که متأسفانه مورد سوءاستفاده‌کنندگان جناح‌های سیاسی - چه موافق و چه مخالف توافق ژنو - قرار می‌گیرد. یک طرف بر این باور است که در این توافق‌نامه اولیه رسماً حق غنی‌سازی ایران به رسمیت شناخته شده است. طرف دیگر می‌گوید که پذیرش حق غنی‌سازی در کار نیست. این مناظره در داخل وجود دارد که البته هر دو اشتباه می‌کنند.

در اینجا برای روشن شدن مخاطبان فهیم تابناک، علت اشتباه دو طرف را شرح می‌دهم. قدرت‌های بزرگ به ویژه امریکا پس از تصویب «ان پی تی» در مورد هیچ کشوری رسماً حتی در مورد آلمان، ژاپن، برزیل، آرژانتین و... حق غنی‌سازی را شناسایی نکرده است. امریکایی‌ها برای آنهایی که اعتماد داشتند و متحد امریکا بوده‌اند و اطمینان داشتند که آن‌ها به دنبال ساخت سلاح نیستند، غنی‌سازی را در عمل پذیرفتند.

وقتی صریح در مذاکره با اروپایی‌ها و امریکایی‌ها، خارج از محدوده دیپلماتیک رک بحث می‌کنید، آن‌ها می‌گویند؛ اولاً کلمه غنی‌سازی در آن پی تی وجود ندارد، این موضوع را آن‌ها درست می‌گویند. عبارتی که در آن پی تی وجود دارد، می‌گوید بهره‌مندی از فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای؛ بنابراین، کلمه غنی‌سازی در متن آن پی تی نیست. از آن طرف در آن پی تی وجود دارد که فناوری صلح‌آمیز مستلزم تولید سوخت است. برای تولید سوخت شما باید غنی‌سازی کنید.

دوم آنکه می‌گویند، ما قبول داریم غنی‌سازی مغایر با آن پی تی نیست. یعنی طبق آن پی تی غنی‌سازی مجاز است. اما بنا بر معاهده آن پی تی برای اعضا تکلیف نیست که همه بیایند غنی‌سازی کنند و این کلمه هم وجود ندارد.

سوم اینکه می‌گویند اگر بنا باشد ما قدرت‌های بزرگ، حق غنی‌سازی شما را به رسمیت بشناسیم، همه کشورهای عضو می‌خواهند غنی‌سازی داشته باشند. اگر همه بخواهند این کار را انجام دهند، شما ببینید اشاعه سلاح‌های هسته‌ای چه ریسک وحشتناکی دارد.

استراتژی امریکایی‌ها این است که غنی‌سازی در محدودترین شکل توسط کشورهای صورت بگیرد. آنچه در نهایت در توافق نهایی خواهیم دید، این است که قدرت‌های بزرگ غنی‌سازی در خاک ایران را در عمل بپذیرند. امریکایی‌ها حق غنی‌سازی برای ژاپن را هم به همین گونه پذیرفته‌اند. امریکایی‌ها حق غنی‌سازی در خاک ژاپن را رسماً و یا اینکه جایی از کلمه حق استفاده کنند نپذیرفته‌اند. امریکایی‌ها برای ژاپنی‌ها دو شرط گذاشتند و پس از آن اجازه دادند ژاپنی‌ها غنی‌سازی کنند؛ نخستین شرط این بود که ژاپن زیر ۵ درصد غنی‌سازی کند و دومین شرط اینکه پروتکل الحاقی بپذیرد. ژاپن که متحد درجه یک امریکاست، با این دو شرط پذیرفته شده که غنی‌سازی کند. حالا ما انتظار داریم امریکایی‌ها امتیاز بیشتری از ژاپن به ایران بدهند! این نگاه غیرعملی و واقع‌بینانه نیست.

باید میان پذیرش حق غنی‌سازی و پذیرش غنی‌سازی فرق قائل شد. امریکایی‌ها خواهند پذیرفت که شما غنی‌سازی داشته باشید؛ اما این بدان معنا نیست که امریکایی‌ها این حق را شناسایی کنند؛ بنابراین، اگر در آینده صد بار دیگر آقای جان کری بگوید، ما حق غنی‌سازی را شناسایی نخواهیم کرد و اگر طرف ایرانی صد بار دیگر بگوید آن‌ها غنی‌سازی را قبول کرده‌اند، هم هر دو راست می‌گویند و هم اشتباه.

من امیدوار بودم مذاکرات کنندگان هسته‌ای، این موضوع را برای مردم توضیح دهند. دعوای داخلی در این موضوع به نفع کشور نیست. ما چیزی می‌خواهیم که اصلاً عملی نیست. متأسفانه هنگامی که رسانه‌های داخل را از خارج می‌خوانید، می‌بینید که عده‌ای آنچنان از توافق ژنو دفاع می‌کنند که گویی پیروزی قرن رخ داد و عده‌ای دیگر آنچنان توافق را می‌کوبند که گویی این قرارداد ژنوچای و ننگ قرن است. در حالی که توافق ژنو نه پیروزی قرن است، نه ننگ قرن. در واقع هیچ کدام از طرفین مذاکره، بیشتر از این نمی‌توانستند امتیاز بگیرند یا بدهند. هر فردی هم از ایران و حتی من هم می‌رفتم، بهتر از این نمی‌توانستم مذاکره کنم.

\* به تازگی عده‌ای بحث کنسرسیوم برای غنی‌سازی در ایران را مطرح کرده‌اند. شما اطلاعاتی در این موضوع دارید؟

– من مدافع ایجاد کنسرسیوم هسته‌ای هستم. اولین کسی که در مصاحبه با ایترتاس روس پیشنهاد کنسرسیوم مشترک غنی‌سازی را مطرح کرد، من بودم. این یک نظر شخصی بود و در کشور بررسی، مطالعه و تصمیم‌گیری نشده بود. به دلیل همین در دنیا جنجالی به پا کرد. هنگامی که آقای احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور شد، در شهریور ۸۴ به نیویورک رفتند. قبل از سفر تبلیغات بسیاری شد که ایران با یک ابتکار جدید به سازمان ملل می‌رود. ایشان در سازمان ملل پیشنهاد کنسرسیوم هسته‌ای را اعلام کرد. بعد از اینکه ایشان به ایران تشریف آوردند، رهبری از ابتکار رئیس‌جمهور حمایت کرد؛ بنابراین، کنسرسیوم هسته‌ای چیزی است که در سطح عالی نظام مطرح و به دنیا پیشنهاد شده است.

اگر به این توافق برسیم که کنسرسیوم با جامعه بین‌الملل و منطقه داشته باشیم، اولاً بهترین شیوه اعتماد سازی است. کسی باید از کنسرسیوم بترسد که دنبال بمب است. چون می‌خواهد پنهانکاری کند و ته آن بمب تولید کند. ما که الان دانش فنی داریم. فرض کنید چند کشور دیگر سرمایه‌گذاری کنند و ما سوخت منطقه را می‌دهیم، چه اشکالی دارد. به عنوان یک کارشناس عرض می‌کنم، اگر روزی ایران توافق کنسرسیوم را پذیرفت، چیزی بود که رئیس‌جمهور ایران رسماً در شهریور ۱۳۸۴ به دنیا پیشنهاد کرده است.

\* شما پذیرش عملی غنی‌سازی را به عنوان یک امتیاز برتر برای ایران برشمردید. منتقدین بر این باورند که یک سری قیودی به حق غنی‌سازی ایران در گام نهایی از جمله مکان، ظرفیت، و ... وارد شده است. چه تضمینی هست که این حق در نهایت به ایران داده شود؟

– موضوع قیود می‌تواند چشم‌اسفندبار مذاکرات باشد. من دو چیز سخت برای مذاکرات می‌بینم که می‌تواند مذاکرات را از ریل خارج کند؛ یکی بحث آب سنگین اراک و دیگر مشخصات غنی‌سازی است. در مورد این پرسش شما، به قول انگلیسی‌ها شیطان ماجرا در جزئیات است. در واقع مشکل اصلی همین جزئیات است. غربی‌ها به تیم مذاکره‌کننده‌ها خواهند گفت، متناسب با نیازتان غنی‌سازی کنید. غنی‌سازی متناسب با اندازه مصرف در داخل داشته باشید.

ایران باید محکم بایستد و بگوید، به این موضوع به عنوان یک اصول چالش نمی‌کنیم. ما می‌خواهیم متکی و مستقل باشیم. ایران باید بگوید، ما نمی‌خواهیم غنی‌سازی مازاد بر مصرف بکنیم، چون دنبال بمب نیستیم. ما می‌خواهیم متناسب با مصرف غنی‌سازی کنیم، اما مصرف را خودم تعریف می‌کنم. غرب نمی‌تواند به ایران بگوید یک نیروگاه یا بیست نیروگاه داشته باشید. من به عنوان ایران اگر تصمیم گرفتم دویست نیروگاه داشته باشم، به شما ربطی ندارد. به نظر من باید این موضوع محکم در مذاکرات مطرح شود. ایران باید نیاز عملی خود را مطرح کند نه دیگران. در این مرحله نیز باز شیطان قضیه مطرح خواهد شد که شاید طرف مذاکره‌کننده ایران مطرح کند که ایران در هر مقطعی که نیاز عملی دارد، ظرفیت عملی را توسعه دهد؛ نه اینکه الان شما در یک سال ۱۰ سایت راه بیندازید و ۱۰۰۰۰ تن اورانیوم غنی کنید، بخ دلیل اینکه بیست سال دیگر بیست نیروگاه داشته باشید. نیاز عملی این خواهد شد که در هر مقطعی، هر مقدار مصرفی که دارید با آن مقدار در آن مقطع ظرفیت را تنظیم کنید. برون رفت از این چالش می‌تواند کمی سخت‌تر باشد.

چالش سنگین بعدی آب سنگین اراک خواهد بود. غرب پس از ده سال که می‌گفت، ایران نباید غنی‌سازی

داشته باشد، مجبور شده است که بپذیرد ایران این ظرفیت را داشته باشد. از دو راه می‌شود بمب اتم ساخت: ۱ - غنی‌سازی است ۲ - آب سنگین.

حالا که پذیرفته‌اند ایران غنی‌سازی داشته باشد، برایشان سخت است که بپذیرند هر دو سیستم را ایران داشته باشد، چراکه اگر ایران روزی تصمیم گرفت بمب بسازد از هر دو طریق بتواند بمب بسازد. بنابراین چالش اصلی آینده روی آب سنگین خواهد بود. آن‌ها خواهند گفت، ما غنی‌سازی به شما داده‌ایم اما آب سنگین به شما داده نخواهد شد. این دعوا شروع خواهد شد. هر دو خواهند گفت آب سنگین خط قرمز ماست. این چالش دوباره شروع خواهد شد. خدا نکند این چالش مثل چالش غنی‌سازی بخواهد ده سال طول بکشد. ده سال بر سر غنی‌سازی چالش داشتیم که نتیجه آن باخت - باخت بود. هم ما ضرر کردیم به خاطر اینکه با ابعاد گسترده تحریم‌ها روبه‌رو شدیم و هم غربی‌ها ضرر کردند به خاطر اینکه دامنه غنی‌سازی را گسترش دادیم؛ بنابراین دو طرف ضرر کردند. این روند برد برای هیچ کس نبود.

باید روندی در دیپلماسی طی شود که مدت را کوتاه کنیم. به نظر من راه این است که آب سنگین اراک را داشته باشیم، اما از نظر فنی و تکنیکی راه‌هایی را متخصصین پیدا کنند که احتمال ساخت بمب از طریق آب سنگین وجود نداشته باشد.

اگر غربی‌ها آب سنگین اراک را خط قرمز اعلام کنند، شاید مذاکرات را به بن بست و شکست برسانند و یا راه را طولانی کنند که هر دو طرف ضرر خواهند کرد. در واقع دو طرف باید به دنبال راه‌های اعتمادساز و فنی برای اینکه آب سنگین اراک قابل انحراف به سمت ساخت بمب نباشد را پیدا نمایند.

#### \* علت اینکه فرانسوی‌ها مذاکرات ژنو را با چالش روبه‌رو کردند، همین بحث آب سنگین اراک بود؟

- در ده سال مذاکرات گذشته وزنه اصلی مذاکرات بین ایران، اروپا و روسیه بود. ما با همه اعضا مذاکره می‌کردیم، به غیر از آمریکا. امریکایی‌ها می‌گفتند تا ما در مذاکره وارد نشویم، اجازه نمی‌دهیم مذاکرات به سرانجام برسد. البته امریکایی‌ها خط قرمزی داشتند به نام اینکه ایران نباید غنی‌سازی کند. سرانجام ایران در دوره آقای جلیلی تدبیر به خرج داد و با امریکایی‌ها مثل بقیه اعضای شورای امنیت مذاکره نمود و گفت تبعیضی قائل نمی‌شویم.

در دوره آقای روحانی نیز ورود آمریکا به صحنه مذاکرات مستقیم برابر با بقیه، باعث شد که این متن خیلی سریع جلو برود. اگر امریکایی‌ها نبودند، امریکایی‌ها می‌نشستند کنار و نمی‌گذاشتند مذاکرات به سرانجام برسد.

در توافق ژنو آقای ظریف و آقای کری مستقیم نشستند بر سر متن و به مذاکره پرداختند. وقتی توافقات روی متن اولیه شد و همه توافق را پذیرفته بودند، وزیر خارجه فرانسه وارد شد و مخالفت کرد. طرفین از قبل توافق کرده بودند که جزئیات مذاکرات به هیچ وجه تبلیغاتی نشود. وزیر خارجه فرانسه در اولین اقدام جزئیات مذاکرات را تبلیغاتی کرد. مثلاً گفت آب سنگین را نمی‌پذیرید. این افشای جزئیات مذاکره بود. البته فرانسوی تحت فشار صهیونیست‌ها این کار را انجام داده بودند. این فرانسوی‌ها بودند که اسرائیل را مجبور به بمب هسته‌ای کردند و

حالا فرانسه می‌خواهد همه فشارها را روی ایرانی آورد که بمب ندارد.

\* آیا در توافق نهایی بخشی از تأسیسات هسته‌ای ایران به قول امریکایی‌ها برچیده می‌شود؟

– موضوع برچیدن بحث تبلیغاتی امریکایی‌هاست؛ موضوعی که نمایندگان مجلس اعلام کردند، باید غنی‌سازی ۶۰ درصد داشته باشیم نیز بحث تبلیغاتی است. دو طرف برای هم رجز خوانی می‌کنند. میدان جنگ سیاسی است و دو طرف در جنگ سیاسی کار تبلیغاتی می‌کنند، ولی واقعیت این است که در توافق‌نامه نهایی برچیدن قطعا وجود نخواهد داشت و ایران غنی‌سازی را خواهد داشت. حالا ابعاد این غنی‌سازی متناسب با مصرف موضوع چالشی مذاکرات است که کار مذاکره کننده‌هاست.